



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۲/۰۳/۲۷

یونس نگاه

## ملاحسن چگونه به انزوا رفت؟

(رویاریوی دو دیدگاه اقتصادی در مجلس طالبان)

رهبری طالبان برای سه روز از ۲۰ تا ۲۲ ماه جاری میلادی (مارچ) در قندهار جلسه داشتند. درین جلسه بحث‌های داغ و حیاتی بین طیف‌های گوناگون طالبان انجام شد. روز نخست به سخنرانی‌های تشریفاتی، نصایح و دعاها اختصاص یافته بود. روز دوم نمایندگان طیف‌های مختلف طالبان نظرات خود را در مورد اقتصاد، اجتماع، سیاست خارجی و حکومت‌داری بیان می‌کردند. اختلاف نظر بین دو طیف از طالبان جدی و آشکار بود. طیف اول را که طالبان محافظه‌کار می‌باشند، ملا برادر نمایندگی می‌کرد و طیف دوم را که طالبان لیبرال می‌باشند، ملاحسن آخذ نمایندگی می‌کرد. بین این دو طیف روی خیلی از مسایل اختلاف نظر بود. در روز اول و دوم، ملاحسن و ملا برادر تلاش داشتند خود مستقیم به بحث‌ها دخیل نشوند و از طریق افراد پایین‌رتبه‌تر نظرات هریکی ازین دو گرایش اصلی مطرح می‌گردید.

اختلاف دیدگاه در مسایل تحصیل، کار و اقتصاد عمیق‌تر بود و در نهایت به رویاریوی و بحث مستقیم ملا برادر و ملاحسن آخذ در حضور رهبر طالبان، ملاهبت‌الله آخذ و دیگر رهبران طالبان انجامید.

ملاحسن آخذ صبح روز دوشنبه، ۲۲ مارچ ۲۰۲۲، بعد از نماز صبح جلسه اضطراری با تعدادی از متفکران و فعالان طیف لیبرال برگزار کرد و یادداشت‌هایی را که برای سخنرانی پایانی‌اش گرفته بود با آنان شریک کرده مشوره آنان را شنید. فیصله بر این شد که ملاحسن آخذ واضح، بدون ملاحظه و شفاف دیدگاه‌اش را شرح دهد و نگذارد محافظه‌کاران مانع رشد کشور گردند.

ساعت ده و بیست و پنج دقیقه نوبت سخنرانی ملاحسن آخذ رسید. او که آشکارا هیجان داشت، به‌نظر می‌رسید عزم‌اش را جزم کرده است تا مانع عقب‌گرد کشور شود. وقتی ملاحسن پشت مایک رفت بدون حاشیه مستقیم سر بحث را گشود. او گفت که نظر او و همفکران‌اش در مورد سیاست‌های مذهبی و فرهنگی از سوی تعدادی از سخنرانان روزهای قبل توضیح داده شده و لازم نمی‌بیند در آن موارد به تفصیل صحبت کند و افزود که آیه مبارکه لاکراه فی‌الدین سرمشق او در سیاست‌هایی مذهبی و فرهنگی است. او گفت طرفدار اجبار در دین و فرهنگ نیست و انتخاب آزادانه انسان را در مذهب و فرهنگ اصل اساسی حکومت‌داری می‌داند. به نظر ملاحسن آخذ انسان با آزادی فرصت تعالی می‌یابد و با حق انتخاب علویت‌اش را جامعه عمل می‌پوشاند.

ملاحسن گفت قصد دارد توضیح دهد که چرا انکشاف زیربنا و توسعه دانش‌محور را برای افغانستان بهترین مسیر توسعه می‌داند. ناگفته نماند که ملا برادر حامی توسعه روستایی و انکشاف اقتصادی زراعت‌محور است.

دیدگاه اقتصادی ملاحسن حاصل سال‌ها مطالعه، تحقیق و کار در افغانستان و پاکستان است. او در کنار درس‌های مدرسه و امور ملایی با روشنفکران، اقتصاددانان، ساست‌مداران و جامعه‌شناسان بسیار بحث‌وگفتگو داشته است. آثار علمای بزرگ غرب و شرق را مطالعه کرده اما به دلیل فضای سنتی حاکم بر مدارس، به ندرت در گذشته دست به‌قلم برده و کمتر از باورهایش سخن گفته است. اکنون که در جایگاه تصمیم‌گیری قرار گرفته و رئیس‌الوزرای طالبان شده است، فرصت را غنیمت شمرده و خواسته است که نظرات‌اش را مطرح کند. او سخنان‌اش را با ذکر حدیثی از پیامبر اسلام (ص) ادامه داده است: "لا خیر فی تعیش الا لرجلین عالم مطاع، او مُسْتَمَع داغ" «زندگی جز برای دو کس خیر ندارد: دانشمندی که نظرات او اجرا گردد، و دانش‌طلبانی که گوش به سخنان دانشمندی دهد».

ملاحسن آخذ گفت او با اتکا به آیه مبارکه لاکراه فی‌الدین و این حدیث شریف به نظرات دانشمندان غیراسلامی در مسایل سیاست، اجتماع، اداره و اقتصاد بسیار ارزش قایل است و امروز می‌خواهد با استناد به نظرات توماس

مالتوس، دیوید ریکاردو، آدام اسمیت و کارل مارکس توضیح دهد که چرا نظرات محافظه‌کاران به رهبری ملابردر آخذ به‌سود کشور نیست و باید به توسعه دانش، انکشاف زیربنا و سرمایه‌گذاری صنعتی اولویت داده شود. یکی از مخالفان آخذ از میان جمعیت صدا کرد که اگر غرب‌گرای واقعی هستی لیست اندیشمندان را تکمیل کن. مولوی جان‌مینارد کینز و شیخ میلنون فریدمن را هم یاد می‌کردی که از علمای متاخرتان می‌باشند.

ملاحسن با خونسردی گفت به آن‌ها هم خواهیم رسید. آشنایی با یافته‌ها و خطاهای آنان نیز لازم است اما نه برای ما که هنوز درگیر مسایل پیشاصنعتی می‌باشیم. ملاحظت‌الله آخذ صدا زد که لطفاً مشاجره نکنید. به سخنان ملاحسن آخذ گوش دهید.

جمعیت ساکت شود و ملاحسن گفت وقتی توماس مالتوس در سال 1798 "رساله پیرامون جمعیت" را نوشت حدود یک دهه از انقلاب کبیر فرانسه گذشته بود و اقتصاد سیاسی کلاسیک اروپا جان می‌گرفت. همان‌طوری که ما امروز در افغانستان با فروپاشی روستاها روبروایم، درحالی که شهرهای ما نیز ظرفیت جذب جمعیت بیکار گریخته از روستاها را ندارد و هر روز فقر، بیکاری و حاشیه‌نشینی افزایش می‌یابد، در آن زمان اروپای غربی نیز دچار چنین آشفتگی بود. مساله توزیع، افزایش نفوس، بیکاری و دستمزد مهم‌ترین مسایل بود. مالتوس به‌خطا جمعیت روبرو افزایش را خطر می‌دید، همان‌طوری که برخی افراد در میان طالبان فکر می‌کنند نیروی بشری اهمیت ندارد و داشتن چند میلیون طالب بهتر از داشتن چهار میلیون هموطن غیر طالب است. اینان از فرار نیروی کار و مهاجرت آدم‌ها نگران نیستند و تصور می‌کنند اگر جمعیت کاهش یابد می‌توان از طریق تجارت، انکشاف زراعت و دعای باران مملکت را اداره کرد. اروپا اما از نیروی روبرو افزایش بشری برای راه‌انداختن ماشین صنعت استفاده کرد و ترس‌های مالتوس خطا ثابت شد.

نزدیک به دو دهه پس از مالتوس، اقتصاددان دیگری به مساله انکشاف اقتصادی و توزیع ثروت از زاویه دیگر پرداخت و ترس کمیابی را مطرح کرد. دیوید ریکاردو می‌گفت وقتی جمعیت و تولید به‌طور مداوم رشد می‌کنند، زمین به تدریج کمیاب می‌گردد. در نتیجه به‌خاطر رابطه عرضه و تقاضا، قیمت زمین افزایش می‌یابد و حق‌الاجاره زمین بیشتر شده باعث گسترش فقر در میان توده دهقان می‌گردد و ثروت به‌طور روز افزون به‌دست ملاکان تمرکز می‌یابد. این وضعیت واقعاً برای مدتی در غرب اتفاق افتاد اما چیزی را که ریکاردو نمی‌دانست، اعجاز علم و صنعت بود. در عصر او تصور جهانی آسان نبود که در آن تولیدات زراعتی به‌خاطر مدرنیزه‌شدن کشت، آبیاری و جمع‌آوری چنان فراوان شود که زمین زراعتی دیگر سرمایه‌چندانی برای ملت‌ها نباشد. چرا از ریکاردو گفتیم؟ چون دوست مومن‌ام ملابردر آخذ تصور می‌کند مهم‌ترین سرمایه افغانستان زمین زراعتی و آب شیرین‌اش است. او فراموش می‌کند که مهم‌ترین سرمایه ما نیروی انسانی است. دانش، نیروی متخصص، خدمات ارزان و باکیفیت، و صنایع مدرن می‌توانند از یک‌سو آب، زمین و زراعت ما را به کالاهای تجاری و صنعتی بسیار ارزشمند تبدیل کنند که از آن نه تنها ما بلکه میلیون‌ها انسان در سراسر دنیا مستفید گردند و از سوی دیگر کشور ما را به بازارهای بزرگ جهانی وصل کرده عوایدی چنان چشمگیر به کشور سرازیر نمایند که دیگر زراعت هرچند مرئیه و پردرآمد چند درصد بیشتر از کل عاید ملی ما را نسازد.

ملاحسن آخذ گفت که آب شیرین سرمایه است، به‌شرط آن‌که در نل‌های آبیاری قطره‌ای جریان پیدا کند نه آن‌که در جوی‌های سنتی و زمین‌های ریگی غرق شود. آب شیرین سرمایه است، به‌شرط آن‌که آب نوشیدنی مردم گردد و در خانه‌ها لوله‌کشی شود و شرب صنایع و فابریکه‌ها را تامین کند. دوست‌ام ملابردر از ساختن بندهای آب، کندن جوی‌ها و کشت نهال به‌عنوان کلید تحول یاد می‌کند و می‌گوید با تحصیل دختران وطن آباد خواهد شد، با توسعه پوهنتون‌ها کشور فاسد خواهد گردید؛ پول خود را به کندن چاه، کشیدن جوی و کاشتن نهال مصرف کنیم. این چیزها خوب اند اما کلید تحول خواهند شد. ما باید از ذهنیت چشمه‌محور و جوی‌اندیشی خود را رها کنیم و به شرکت، صنعت، دانشگاه، خدمات، حمل و نقل و شهرسازی توجه نماییم.

ملاحسن افزود: من و ملابردر هرچند هر دو ملایم و هر دو طالب می‌باشیم اما دو راه متفاوت را برای کشور خود انتخاب کرده‌ایم. راه جوی‌اندیشی و چشمه‌فکری روستایی است و افغانستان را در خودش غرق می‌کند؛ گرسنه‌تر، دربندتر و منزوی‌تر می‌سازد. درین روش دختران باید در خانه بمانند، بودجه مکاتب کاهش یابد، دانشگاه‌ها محدود گردند، تجربه و تحقیق تشویق به‌حاشیه رانده شوند. اما در روشی که من انتخاب کرده‌ام فرزندان کشور همه باید به کسب علم و مهارت، و ارتقای ظرفیت بکوشند. پوهنتون‌ها با مراکز تحقیق و توسعه مجهز شوند و رابطه بین فابریکه و دانشگاه توسعه یابد. نیروی کار آزاد شود. تاکید می‌کنم که نیروی کار آزاد شود و مطابق ضرورت بازار به‌حرکت در آید. این آزادی زمانی محقق می‌شود که بازار افغانستان با بازار جهان با اصول عادلانه وصل گردد. بازار ما وقتی با بازار جهان وصل شد باید الزامات بازار جهانی از جمله مسایلی فرهنگی چون پوشش، خوراک و تفریح (در مجموع خدمات) باید مناسب حال بازار جهانی باشد تا متخصصان، سرمایه‌گذاران، کارگران و دانشمندان ما و جهان به آسانی همکاری کنند و در میان بازار ما و دیگر بازارها بدون نگرانی از کمبود خدمات، تفاوت شدید فرهنگی رفت و آمد کنند.

ملاحسن افزود: طالبان عزیز حتماً متوجه هدفام شده‌اید. به‌نظر من رفاه اقتصادی بدون بازار و صنعت ممکن نیست. بازار و صنعت بدون خدمات مدرن رشد نمی‌کنند. خدمات مدرن بدون آزادی‌های مدنی مهیا نمی‌شود.

ملاحسن گیلان کنار دست‌اش را برداشته دو شوپ آب نوشید و کمی توقف کرده به طالبانی که روبه‌رویش نشسته بودند نگاه کرد و گفت که از میان شما کسانی مطمئن‌ام مدتی در فابریکه‌های افغانستان یا بیرون کشور کار کرده‌اید. یا شاید پدر، برادر و اقارب کارگر دارید. حتماً می‌دانید که کارگران جامعه ما چه رنج‌هایی می‌کشند. در عین حال می‌دانید که در بیست سال گذشته، قومندان‌ها، وزیران، رئیس‌ان و رهبران سیاسی چگونه دارایی‌های کشور را غارت کردند. انباشت سرمایه در دست تعداد محدودی از افراد رنج‌های بسیاری را در جامعه ما به‌وجود آورده است. در بیست سال گذشته پول از خارج آمد، تعدادی فابریکه ساخته شد، زراعت هم در جاهایی رشد کرد، تجارت نیز مدتی رونق داشت اما توزیع ثروت چگونه بود؟ می‌دانید که گروهی از شما طالبان به‌دلیل همان انباشت غارت‌گرانه و توزیع ناعادلانه ثروت به جبهه ما پیوستید. ما نباید مسیر آنان را تعقیب کنیم. تحصیل باید رشد کند، زیربناها باید توسعه یابند، صنعت باید انکشاف یابد اما نه به سمتی که فقر را افزایش دهد، شهرها را پر از گدا و حاشیه‌نشین کند، کارگران را به پرزه‌های ماشین تبدیل کند و گروه محدودی را بر سیاست، اقتصاد و فرهنگ ما حاکم سازد. این ایده را مارکس مطرح کرده بود. می‌خواهم چند جمله از چیزهایی که کاپیتال مارکس برای ما می‌آموزد برای‌تان بگویم.

درین زمان ملاحبت الله سرفه کرد. ملابرادر دست به بروت‌هایش کشید. تعدادی از طالبان همه‌راه انداختند و خلیفه حقانی دستور داد که برق مایک ملاحسن را قطع کنند. ملاحسن سکوت کرد. ملاحبت الله گفت: ملاحسن همین‌قدر کافی‌ست. فکر نمی‌کنم این‌جا محل مناسبی برای بحث روی افکار مارکس باشد.

تا زمانی که ملاحسن به بحث کاپیتال و مارکس نپرداخته بود، مجلس گرم بود و بیشتر طالبان حاضر به او گوش می‌دادند. به نظر می‌رسید حامیان ملابرادر زیر فشارند و احساس می‌کنند فرقه ملاحسن در هدایت سیاست‌های اقتصادی، رهبری را به‌دست خواهند گرفت. اما نام مارکس قابل تحمل نبود و موج، خلاف ملاحسن برگشت.

در پایان آن روز ملاحبت الله اعلام کرد که ملاحسن به احترام حامیانی که در گروه طالبان دارد در پست ریاست‌الوزار باقی خواهد ماند اما قبل از برگشت به کابل باید مدتی در قندهار زندگی کند و او ملاحبت الله آخذ افکارش را به‌دقت ارزیابی خواهد کرد. تا آن وقت ملابرادر، معاون اول رئیس‌الوزار هدایت امور را در کابل به‌دست خواهد داشت.

ملا برادر فاتحانه به کابل برگشت. مکاتب متوسطه و ایسه دخترانه را تا زمان نامعلوم بند کرد. حضور هم‌زمان زنان و مردان را در پارک‌ها منع کرد. سفر زنان بدون محرم را ممنوع قرار داد.

ملا برادر به تازگی اعلان کرده است که دو پروژه بزرگ زراعتی بازگشایی خواهد شد. درین پروژه‌ها کارهای بسیاری در بخش زراعت انجام می‌شود از جمله صدها چشمه در سراسر کشور پاک‌کاری خواهند گردید تا مردم راحت‌تر وضو بگیرند و دختران کوزه‌های‌شان را خوب‌تر پر آب کنند.